

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

نویسنده: الف. لام

۵ فبروری ۲۰۱۲

با تأیید از نوشته جناب

"درویش کابلی"

از مدتیست نوشته های خیلی روشنگرانه، توسط نویسنده باجرات، توانا و بدون هراس و یا به اصطلاح عامیانه کابل عزیز "از سر تیر"، آقای آزاد (ل) در مورد ادیان، پیمبران، کتابهای سماوی و خرافات مستولی بر دین مبارک اسلام، دینی که ما همه تا پای جان عقیدتمند و پاسدار آن میباشیم، در سایت پورتال آزاده، مبارز و روشنگر "افغانستان آزاد – آزاد افغانستان" نشر میشود. اما به قرار فرموده جناب درویش کابلی، انتشار یافته ۱۸ جنوری ۱۲، از هیچ مرجعی، از هیچ ملائی، هیچ آیت الله، حجت الاسلامی در برابر این افشاگریهای تکاندنده، عکس العملی نشان داده نشد و یا به اصطلاح عامیانه از زمین صدا برآمد و ازین مراجع دینی و مذهبی که از دهن هر کدام آتش فوران میکند، نفسی برنیامد تا این جناب یعنی آقای آزاد (ل) و خوانندگانی را که از نوشته و حقیقت گوئیهایش به او علاقه مند شده اند و تاجائی با او سر هموائی شور میدهند، قناعت داده و سرجایش بنشانند.

من یک مسلمان بسیار عقیدتمند، پیرو تمام مناسک پنجگانه اسلامی در مذهب حنفی میباشم که با ادای کلمه های طیبه و شهادت، نماز، روزه، زکات را صادقانه اداء میکنم و حتی به انجام فریضه حج نیز نایل شده ام، اما نخواستہ ام پیشوند کلمه حاجی یا الحاج را در پهلوی نام خود قرار بدهم، زیرا میخواهم با اعمال و کردار نیک یک حاجی واقعی، صادق و بی آزار باشم، نه حاجی به نام و آلوده با ذمائم اخلاقی. این خصائص را از پدر مرحومم که یک صوفی صافدل و در طریقه قادریه، مرید یکی از مرشدان مشهور آن زمان در حومه کابل بود، عملاً آموخته ام نه از علماء. یعنی من دین اسلام را با پیروی از اعمالی که پدر مرحومم انجام میداد، از عنفوان جوانی پذیرفته و اجراء میکنم، در روز، پنج وقت نماز، سالانه یک ماه روزه با تمام شرائط چون نمازهای تراویح، ختمهای قرآن در جماعت مساجد و تلاوت روزانه قرآن که خوشبختانه از جوانی تاکنون ادامه دارد. درحقیقت تمام این اعمال را من از پدر مرحومم قدم به قدم کاپی کرده ام؛ یعنی من یک مسلمان بسیار خوب سنتی میباشم اما عقیده من چنان راسخ بوده و است که اگر مطلبی مغایر آنچه آموخته ام در باره اسلام، گفته، نوشته و یا عملی شود، به اصطلاح مردم عزیز کابل، مرا جند میگیرد. اما با وجود این عقیده راسخ و خلل ناپذیر، سؤالهایی نیز در چگونگی ادیان، پیمبران و کتب آسمانی و اینکه دین اسلام واقعاً دین

صلح است، موارد مختلف و متعددی از گذشته ها در ذهنم موجود بوده و هنوز هم است که آهسته آهسته توسط بعضی دوستان - از جمله آقای آزاد . ل - درین اواخر مطرح میشود.

به یاد دارم دورانی را که در شهر کهنه کابل با پدر مرحومم یکجا، نمازهای صبح، شام و خفتن را در مسجد گذر ما به امامت یکی از ملاهای کلاس دوم یعنی نیمچه ملا اداء کرده و از آن فیض و لذت میبردیم. این ملای گذر که من امروز کلمه "نیمچه ملا" را به او اطلاق میکنم، در آن فرصت از محترمین زبده و کامل اهل گذر محسوب میشد و به اصطلاح، اولین و آخرین سخن را برای اهالی گذر او میگفت. که متأسفانه همان روحیه هنوز هم در جامعه ما حاکم میباشد. یکی از روزها بعد از ادای نماز و هنگام خداحافظی با ملا امام، سؤالی را که از مدتی مرا به خود مشغول میداشت ازو پرسیدم و آن اینکه "لوح محفوظ در کجای آسمان قرار دارد و در آن چه چیزها نوشته است؟؟؟"، ملا که حالا فکر میکنم، سؤالم بیرون از فهم و ادراکش بود، غضبناک به من جواب داد که "خاموش جاهل برابر قدت گپ بزنی، ترا به این سؤالهای بالاتر از عقلت چه غرض؟" به پدرم نیز فهماند که جلو این گونه سؤالهای مرا بگیرد و توصیه شدم تا برای ملا مزاحمت خلق نکنم. این اهانت در برابر دیگران و لاینحل ماندن سؤالم برای من عَده ای خلق کرد که تا مدتی مرا آزار میداد. متأسفانه این مسکوت ماندن سؤالها در مورد دین که تا امروز در جامعه ما ادامه دارد، سؤالهای متعدد دیگری را که برای من و مانند من دیگران خلق میشد، بار آورد که ادامه آن سکوت در برابر ادیان و حل نشدن سؤالها اکثر جوانان را به بیراهه کشاند.

اخیراً با استفاده از آزادیهای نسبی، بعضی از نویسندگان مطالبی را مطرح میکنند و مورد پرسش قرار میدهند که حتی تصور آن برای ما مسلمانان، گیج کننده و جنجال برانگیز بوده و است، از جمله آقای آزاد (ل) که از مدتیست با معلومات خیلی وسیع در مورد ادیان و مذاهب، با جرأت و صلابت تام مینویسند و موضوعات خرافاتی ادیان را برملا می سازند، در حقیقت با آتش بازی میکنند. اولین مطلبی که در هشت صفحه از ایشان نظرم را جلب کرد در سایت محبوب "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" بود که با مطالعه صفحه اول بر خود لرزیدم و گمان بردم که آقا یک دهری و از اعضای خلق و پرچم است «با تذکر این نظر نادرست از جناب آقای آزاد.ل جدا معذرت می طلبیم!!!» که با استفاده از آزادیهای برونمرزی عده گشائی میکند، میخواستم از ادامه مطالعه موضوع، متأثر از همین روحیه، خودداری کنم. وسواس مرا نگذاشت به خواندن ادامه دادم، هر صفحه برایم جالب و جالبتر میشد، در آن روشنگریهایی یافتم که با سؤالهای دیرین من تماس میگرفت و گر هگشای سؤالات متعدد من میگردد. بار دوم آنرا عمیقتر و دقیقتر خواندم، با خود گفتم، خدا خیر پورتال وزین "افغانستان آزاد" را پیش کند که با نشر چنین مطالب روشنگرانه برای خود و همکاران قلمی خود، در ذهن تاریک اندیشان جنجالی خلق خواهد کرد. خوشبختانه نویسنده محترم در بسیاری موارد صریحتر و آزادانه تر نوشت و پورتال محبوب ما هم مردانه تر و دلیرانه تر به نشر اقدام کرد، اما کورمغزان که در هر حرکتی از پاچه میگیرند تاهنوز لب به سخن تر نکرده اند و این سؤال برای همه از جمله محترم درویش کابلی و من پیداست که این شمشیربه دستان که با هر روشن بینی سر از تن جدا میسازند، چگونه تاکنون در برابر این نویسنده مبارز، مهر خاموشی بر لب گذاشته اند؟ اگر این نوشته ها اهانت به عقیده و ایمان شان است چرا از آن با منطق و مستدل، دفاع نمیکنند و مردم را از حقیقت آگاه نمیسازند. ورنه تا به خود بیایند، با نشر مکرر چنین واقعیتها ، بالاخره طشت بدنایم شان از بام افتاده و جلوصاف شان از آب بیرون خواهد شد. به آرزوی چنین روزی